



دانشگاه سندھ

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد (رشته زبان و ادبیات عربی)

**موضوع:**

**تطبیق بین «مجنون لیلی» احمد شوقی و «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی**

**استاد راهنما:**

آقای دکتر محمد علی طالبی

**استاد مشاور عربی:**

آقای دکتر مسن مجیدی

**استاد مشاور فارسی:**

آقای دکتر علی تسنیمی

**نگارنده:**

مریم رضائی مقدم

تیر ماه ۱۳۸۹ هـ.ش

تقدیم به:

پدرم:

کتاب همیشه گشوده ی ایثار، کسی که همگام لحظه های زندگی ام

بود.

مادرم:

عاشقانه ترین غزل، کسی که مهرش، مرهم نوازشی بر زخم مشکلاتم

بود.

## یاد و سپاس

قدردانی از استادان بزرگواری که دریای اندیشه ی خود را بی هیچ منتی بر ذهن های تشنه ی دانش جاری ساخته اند، آسان نیست، ولی بر خود واجب می دانم که سپاس خالصانه و احساس سرشار خود را به استاد بزرگوار و فرزانه ام، **دکتر محمد علی طالبی**، کسی که درس مهربانی را در کنار دانش و ادب، از ایشان آموختم و در انجام مراحل این پایان نامه، گام به گام، با بردباری و هزینه ی زمان فراوان مرا یاری نمودند، تقدیم نمایم و همین طور از استادان مشاورم؛ **دکتر حسن مجیدی** که نظرات مناسب و بجای ایشان، در پیشبرد این پژوهش بسیار مؤثر بود و **دکتر علی تسنیمی**، که مرا در انجام وظیفه ام همراهی نمودند، و نیز از تمام استادان گرامی رشته ی زبان و ادبیات عربی، کمال سپاس را دارم.

در اینجا شایسته است که از خانواده، دوستانم و مسؤولان کتابخانه ی دانشگاه تربیت معلم سبزوار که نهایت همکاری را با من داشتند تقدیر و تشکر نمایم.

## النبذة

ظلت أخبار «ليلي و المجنون» مقصورة على الروايات والأشعار المتفرقة ولم يفكر أحد من شعراء العرب و لاقصاصهم أن ينظمها في قصة أو في مسرحية. حتى جاء «أحمد شوقي» في العصر الحديث و هو أول من نهض بالمسرحية الشعرية في الأدب العربي و فتح بذلك ميداناً جديداً تسابق فيه الشعراء بعده فهو نظم أخبار «ليلي و المجنون» في مسرحيته باسم «مجنون ليلي». في الأدب الفارسي، عدة قرون قبل «شوقي» من أشهر شعراء الفرس و هو «نظامي الكنجوي» إعتد على جمع ما تفرّق من أخبار «المجنون» و جعل منها قصة متتابعة الأحداث و متواليّة الفصول فسماها «ليلي و المجنون».

«شوقي» و «نظامي» كلاهما إلتزما على الأصل العربي لهذه القصة لكن رغم إلتزامهما؛ أي واحدمنها غيرا بعض حوادث و مشاهد القصة، على أساس الضرورة الفنية من جهة و أدبهما وعصرهما من جهة أخرى. لذلك نجد بين «مجنون ليلي» و «ليلي و المجنون» أوجه التشابه و الخلاف كثيرة .

وإختلاف الجوهر الذي يميّز «مجنون ليلي» من «ليلي و المجنون»، هو إنتقال الموضوع من العذرية إلى الصوفية. فالقضية الرئيسية في «مجنون ليلي»، الحب العذري والصراع بين العاطفة والتقاليد لكن القضية الرئيسية في «ليلي و المجنون»، الحب الصوفي الذي يتّجه نحو الله. و نجد أساس هذه الإختلاف الجوهرية في عصرهذين الشعارين. لأنّ «نظامي» عاش في عصر غلبة التصوّف و من الطبيعي أن يصبغ منظومته، صبغة صوفية.

**الكلمات الرئيسية:** المسرحية، المنظومة، مجنون ليلي، ليلي و المجنون، أحمد شوقي، نظامي الكنجوي

# فصل اول

## مقدمه و کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

۱-۲- کلیات پژوهش

## ۱-۱- مقدمه:

عاشقان عشق های عذری، از چهره هایی هستند که همواره ماندگارند و مردم به شنیدن و خواندن زندگی آن ها گرایش زیادی دارند. «مجنون لیلی»، یکی از شخصیت هایی می باشد، که داستان عشق او با «لیلی» از دیرباز بر سر زبان ها بوده است، و در ادب مشرق زمین، جایگاه ویژه ای داشته و دارد و در طول سال ها الگوی ده ها تن از شاعران و نویسندگان بزرگ بوده است.

هرچند اصل این داستان عربی است، ولی شهرت آن در ادبیات فارسی، کمتر از ادبیات عرب نیست. تا جایی که «نظامی گنجوی» شاعر داستان پرداز «گنج» در قرن ششم هجری قمری، این داستان را از پراکندگی به شکل داستانی هماهنگ درآورد و آن را با نام «لیلی و مجنون» وارد ادب فارسی نمود.

با اینکه «لیلی و مجنون»، در ادب فارسی و ترکی شخصیت های اسطوره ای بودند، که وارد ادب محض شدند ولی در ادب عربی، تا عصر کنونی، در چارچوب تاریخی خود مانده بود. تا اینکه در عصر کنونی، ادب معاصر عربی، هنر نمایشنامه نویسی را از ادب اروپایی فرا گرفت و این دلیلی بود برای توجه نمایشنامه نویسان به سوی ادب عربی قدیم، تا ماده ی اصلی موضوع نمایشنامه های خود

را از آن بگیرند، از جمله ی این نمایشنامه نویسان «احمد شوقی» بود که؛ در قرن نوزدهم میلادی، نمایشنامه ای را با نام «مجنون لیلی» در پنج بخش وارد ادبیات عربی کرد.

«شوقی» از نخستین کسانی بود که در ادب عربی، زمینه را برای نمایشنامه ی شعری فراهم ساخت و سستی جدید پایه گذاری کرد. و «نظامی» نیز داستان سرایی بود که کسی در زمینه ی داستان سرایی به پای او نرسیده است و کارهای او الگوی شاعران و نویسندگان بزرگ بوده و می باشد.

«مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون» هرچند دو فن ادبی مختلف هستند، یکی نمایشنامه و دیگری منظومه است و تطبیق بین دو فن مختلف شعری، علمی نیست ولی از آنجا که ماده ی اصلی مورد استفاده ی «شوقی» و «نظامی» مشترک است، شایسته است اثر این دو شاعر یعنی «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون»، در حوزه ی ادبیات تطبیقی قرار گیرد تا ضمن شناخت شباهت ها و یکسانی های آن دو، تفاوت ها و نوآوری های دو شاعر نیز شناخته شود.

ادبیات تطبیقی امروزه، یکی از ارکان ادبیات است و حوزه ی مهمی از آن را در بر می گیرد، که ضمن آشنایی با فرهنگ و ادبیات دیگر ملت ها به بررسی رابطه ها و شباهت های بین ادبیات زبان ها و ملت های مختلف می پردازد و به بارور سازی ادبیات خود نیز کمک می کند، از آنجا که زبان فارسی از زبان و ادبیات کشورهای دیگر بویژه زبان عربی تأثیر پذیرفته است، نوشتار حاضر به تطبیق «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون» پرداخته است که پنج فصل را در بر می گیرد:

فصل اول: مقدمه و کلیات پژوهش است که در این فصل هدف از انتخاب موضوع پژوهش، ضرورت انجام آن، هدف ها، فرضیه ها، و پیشینه ی تاریخی آن بیان می شود..

فصل دوم: به زندگی و ادب دو شاعر می پردازد و شامل دو بخش است که در بخش نخست، عصر و ادب «شوقی»، شعر و آثار او، و در بخش دوم، عصر و ادب «نظامی»، شعر و داستان های شعری او،

بررسی می شود.

فصل سوم : با عنوان «داستان «لیلی و مجنون» در دو ادب عربی و فارسی»، به بررسی منابع اصلی این داستان و پیشینه ی تاریخی آن در ادب عربی که اصل داستان مربوط به آن است و سپس در ادب فارسی می پردازد و شاعرانی که به داستان «لیلی و مجنون»، توجه کرده اند، اشاره می شود.

فصل چهارم: فصلی است که به بررسی «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون»، به طور جداگانه می پردازد و در دو بخش به بررسی دو اثر، ساختار فنی، رویدادها و کشمکش ها، نوگرایی و آفرینش رویدادها و شخصیت پردازی آن دو می پردازد.

فصل پنجم: شامل تطبیق بین «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون»، است که ابتدا رویدادهای دو داستان با روایت های موجود در «الأغانی»، که منبع مورد استفاده ی دو شاعر بوده است، بررسی شده و شباهت ها و تفاوت های آن دو بیان می شود، سپس نوآوری های دو شاعر که با توجه به نیاز فنی، آورده اند، با هم مقایسه می شود و در پایان، تطبیقی بین ساختار اصلی دو داستان انجام می گیرد. و نیز از تأثیر «نظامی» بر «شوقی»، سخن به میان می آید.

## ۲-۱- کلیات پژوهش

### ۱-۲-۱- بیان موضوع (مسأله):

عشق و دوست داشتن را از آغاز، در درون هر انسانی به امانت نهاده اند و آفرینش انسان بر عشق بنا شده است، ولی اگر چه این عشق در دل تمامی انسان ها وجود دارد، ولی کسانی هستند که در عشق و شیدایی سرآمدند و داستان عشق آن ها در بین مردم سایر ملت ها، دهان به دهان گشته است و مجلس آرای گفتار آن ها شده است.

عشق «لیلی و مجنون» نیز از جمله عشق های ماندگاری است که شاعران و نویسندگان بیشترین



بهره را، از آن برده اند. هرچند اصل این داستان عربی است ولی توجه شاعران دیگر ملت ها به آن بیش از شاعران عرب بوده است، تا جایی که باید گفت؛ نخستین کسی که آن را از چارچوب تاریخ، به صحنه ی ادبیات وارد کرد «الیاس بن یوسف نظامی گنجوی»، شاعر داستان پرداز «گنجه»، بود که در قرن ششم هجری قمری این داستان را از حالت نثر، از بین صفحه های تاریخ، خارج کرد و با نام داستان «لیلی و مجنون»، در بیش از چهار هزار بیت وارد ادب فارسی کرد. ولی ادب عربی تا زمانی که با فن ادبی، به نام نمایشنامه، آشنا نشد به این داستان توجهی نکرد. وجود نمایشنامه دلیلی بود برای توجه نمایشنامه نویسان به سوی ادب گذشته ی عربی و قهرمانان آن، تا موضوع نمایشنامه ی خود را از آن بگیرند. یکی از این نمایشنامه نویسان «احمد شوقی»، شاعر و نمایشنامه نویس مصری بود که در قرن نوزدهم میلادی، نمایشنامه ی «مجنون لیلی» را در پنج بخش ارائه داد و موضوع اصلی آن را از ادبیات عربی قدیم گرفته بود.

«شوقی» و «نظامی»، هر دو بهترین اثر را به ادب خود تقدیم کردند، هر دو نوآوری ها و افزودنی هایی بر اصل این داستان داشتند که شایسته ی بررسی است. نیز «شوقی» سال ها بعد از «نظامی»، اثر خود را جمع آوری کرد. و شاید بتوان گفت؛ او نیز همانند دیگر شاعران فارس و ترک از «نظامی» تأثیر پذیرفته است، چرا که اثر «نظامی»، مورد استفاده ی بسیاری از ترک زبانان هم بود و «شوقی» نیز زبان ترکی را خوب می دانست. با توجه به این موارد بر آن شدم تا به تطبیق اثر این دو شاعر و تأثیر و تأثر بین آن دو، بپردازم.

## ۲-۲-۱- ضرورت:

داستان «لیلی و مجنون»، یکی از داستان های مشهور است که در بین مردم جایگاهی ارزشمند، دارد. بهترین اثری که در ادب فارسی به این داستان پرداخته است، «لیلی و مجنون» سروده ی «نظامی

گنجوی»، است و در ادب عربی نیز بهترین اثر، نمایشنامه ی «شوقی»، به نام «مجنون لیلی»، می باشد. و از آنجا که تا به امروز کسی به تطبیق این دو اثر، با هم، نپرداخته است بر آن شدم تا این تطبیق را انجام دهم.

### ۳-۲-۱- اهداف:

- بررسی «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون»، شناخت تفاوت ها و شباهت های بین آن دو و اثر گذاری و اثر پذیری دو شاعر.

- تطبیق دو اثر با اصل عربی داستان، - روایت موجود در الأغانی - و شناخت نوآوری های «شوقی» و «نظامی» بر اصل عربی داستان «مجنون لیلی».

### ۴-۲-۱- پرسش ها:

۱- آیا بین «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون»، تفاوت ها و شباهت هایی وجود دارد؟

۲- آیا «شوقی» در سرودن «مجنون لیلی»، از «نظامی» تأثیر پذیرفته است؟

### ۵-۲-۱- فرضیه ها:

۱- بین «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون» تفاوت ها و شباهت هایی وجود دارد.

۲- می توان گفت که «شوقی» در سرودن «مجنون لیلی»، از «نظامی» تأثیر پذیرفته است.

### ۶-۲-۱- بیان روش:

روش من در این پژوهش، روش نظری است، به صورتی که؛ ابتدا باید تمام منابع و متونی که برای یک پژوهش لازم است، جمع آوری گردد و از بین دیدگاه های مختلف این منابع، دیدگاه مناسبی برای کاربرد نظری پژوهش، انتخاب گردد. همچنین بر اساس نیاز، روش تحلیلی نیز در

برخی فصل‌ها مانند فصل چهارم، در بررسی کامل «مجنون لیلی» و «لیلی و مجنون» به کار گرفته شده است.

## ۷-۲-۱- پیشینه ی تاریخی

با توجه به پژوهش‌هایی که در کتابخانه‌های مختلف از جمله کتابخانه دانشکده ی الهیات و ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، کتابخانه ی مرکزی آستان قدس رضوی و بازدید از سایت ((irandoc)) داشته‌ام، پژوهش‌هایی که پیرامون موضوع ادبیات تطبیقی به طور عمومی انجام شده است، عبارتند از:

- الأدب المقارن، محمد غنيمي هلال

- دراسات في الأدب المقارن، عبدالمنعم خفاجي

- الأدب المقارن، طه ندا

- الأدب المقارن، محمد السعيد جمال الدين

- في النقد التطبيقي و المقارن، محمد غنيمي هلال

- دراسات في الأدب المقارن، محمد النويهي

و پژوهش‌هایی که به طور ویژه به «مجنون لیلی» یا «لیلی و مجنون»، پرداخته‌اند، عبارتند از:

- مسرحيات شوقي، محمد مندور

- الأدب القصصي و المسرحي في مصر، أحمد هيكل

- المسرحية أصوله و نشأتها، عمر الدسوقي

- مجنون لیلی بین الواقع والأسطورة، مأمون بن يحيى الدين الجنان

- الحياة العاطفية بين العذرية و الصوفية، محمد غنيمي هلال

- لیلی و مجنون پژوهشی در ریشه های تاریخی اجتماعی داستان، ا.ا.کراچکوفسکی
- پیوند عشق میان شرق و غرب ، جلال ستاری
- سیمای دو زن ، علی اکبر سعیدی سیرجانی
- پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد، عبدالحسین زرین کوب
- رومئو و ژولیت ویلیام شکسپیر و لیلی و مجنون نظامی، علی اصغر حکمت
- همچنین پایان نامه هایی که در این زمینه انجام شده است، عبارتند از:
- «تجاهات شوقی، في المسرحية الشعرية، «مصرع کلئوپاترا» دارسته و ترجمته، مسلم سوری،  
کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم سبزوار
- «الدراسة النقدية و الأدبية لمسرحية شوقی، «مجنون لیلی»، مع ترجمتها و تحلیلها، سهیلا بزرگی،  
کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم سبزوار
- شیوه ی بیان نظامی در مثنوی های «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون»، رحیم جلالی یزدی،  
کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد
- مقایسه ی «لیلی و مجنون» فضولی و نظامی، جلیل جلیلی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- سیمای دو عاشق، «لیلی و مجنون» از دیدگاه نظامی گنجوی و عبدالرحمن جامی، مریم صادق گیوی،  
کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد

# فصل دوم

زندگی و ادب دو شاعر

۱-۲- احمد شوقی

۲-۲- الیاس بن یوسف نظامی گنجوی

## ۲-۱- احمد شوقی

### ۲-۱-۱- عصر شاعر

«در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی که غرب پایه های نهضت علمی، هنری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را استوار کرد، وضع سرزمین های عربی طوری نبود که بتوان در آن امید یک نهضت فکری را داشت. می بایست نوری از جایی دیگر بدرخشد و فکر مردم را روشن کند و آن را به سطح جاری فکری و ادبی جهان آن روز برساند و شرق در این دوره ی، برای برپاداشتن بنای نهضت خود دست یاری به سوی «اروپا»، دراز کرد و برخورد شرق با غرب از مهمترین مقدمات این نهضت بویژه در «مصر» بود.»<sup>۱</sup>

در «مصر» در پایان قرن هجدهم میلادی، «فرانسه» می خواست برای گسترش دامنه ی نفوذ خود و بستن راه «هندوستان» به روی «انگلستان»، «مصر» را تحت حکومت خود قرار دهد. این کار به عهده ی «ناپلئون بناپارت»<sup>\*</sup> قرار گرفت و او در نیمه ی دوم ماه «مه» سال ۱۷۹۸ میلادی به «مصر» حمله کرد و با این حمله به حکومت «ممالیک» پایان داد.

«ناپلئون»، می خواست که پیروزی در «مصر»، تنها به سلاح های جنگی نباشد، بلکه سلاح دانش و معرفت را هم به کارگیرد و بدین طریق توجّه عالمان و اندیشمندان «اروپا» را به خود جلب کند. او

---

۱- جلال خیاط: تاریخ ادبیات معاصر عرب، ترجمه ی محمود فضیلت، چاپ اول، انتشارات دانشگاه رازی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۲۵  
\*- (۱۷۷۰-۱۸۲۱ م): افسر ارتش فرانسه، یکی از بزرگترین سیاستمداران جهان. (لویس معلوف: المنجد في اللغة و الأعلام، ترجمه ی محمد بندر ریگی، انتشارات ایران، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش، ص ۳۷۷)  
۲- همان: ص ۱۳۱

هدفی استعماری را دنبال می کرد، ولی مصری ها خلاف این را می پنداشتند و فکر می کردند می توانند با وجود بیگانگان در کشورشان، حقوق از دست رفته ی خود را پس گیرند.<sup>۲</sup>

زمانی که فرانسویان در سال ۱۸۰۱ میلادی از «مصر»، خارج شدند، بر «مصر»، رویدادهای بسیاری گذشت تا آن گاه که «محمد علی پاشا» در سال ۱۸۰۵ میلادی بر تخت حکومت نشست. آنگاه تصمیم گرفت تا هیأت های علمی را به «فرانسه» و دیگر کشورهای اروپایی بفرستد. و از نتیجه های برخورد با غرب «برخورد اندیشه ی قدیم و جدید، دانش قدیم و جدید، ادبیات و هنر قدیم و جدید با یکدیگر بود که این دو پهلو به پهلو هم راه خود را ادامه می دادند».<sup>۳</sup>

«چون استبداد «عبدالحمیدعثمانی» بر سرزمین عربی سایه افکند گروهی از اندیشمندان «لبنان» و «سوریه» به «مصر» و «آمریکا» مهاجرت کردند. و آن ها در هر کجا که بودند به رشد زبان عربی و روزنامه نگاری عربی می پرداختند، آمدن این مهاجران به «مصر» سبب گسترش برخی روزنامه ها شد و همین روزنامه ها بودند که روحیه ی میهن دوستی، ملی گرایی، مبارزه با استبداد و آزادی خواهی را در مردم بیدار کرد».<sup>۴</sup>

غیر از روزنامه ها در عصر نهضت، «نمایشنامه نیز یکی از عوامل گسترش فرهنگ و تهذیب عقل و ذوق مردم و نوشتن نمایشنامه های فنی بود. ادبیات قدیم عربی از تئاتر خالی بود و وقتی «اسماعیل پاشا» بر تخت پادشاهی «مصر» نشست، ادیبان و مردان هنر را تشویق کرد».<sup>۵</sup>

---

۱- جلال خیاط: تاریخ ادبیات معاصر عرب، ص ۱۹۶  
۲- شوقی ضیف: شوقی شاعر العصر الحديث، الطبعة الحادية العشر، مكتبة الدراسات الأدبية، القاهرة، ۱۹۸۶م، ص ۱۷۴  
۳- جلال خیاط: تاریخ ادبیات معاصر عرب، ص ۲۱۰  
\*-(۱۸۸۰-۱۹۵۹): نمایشنامه نویس لبنانی و رهبر نمایشنامه نویسان در «مصر». (لوئیس معلوف: المنجد في اللغة و الأعلام، ص ۱۸۹)

حرکت نمایشنامه نویسی در «مصر»، تازه آغاز شده بود که نویسندگان به دو گروه تقسیم شدند. «گروهی زبان عمومی را به کار گرفتند و گروهی از تاریخ و ادبیات مردمی، موضوع هایی را می گرفتند، آنگاه آن را با زبان فصیح، بیان می نمودند. ولی نمایشنامه ی «مصر»، قدم درجاده ی پیشرفت نهاد مگر در دوران «عباس دوّم» که مردی لبنانی را به نام «جورج ابیض\*» به «فرانسه» فرستاد تا در آنجا در هنر نمایشنامه نویسی مهارت یابد و او در «مصر» بعد از بازگشتش گروهی تشکیل داد و فن نمایشنامه نویسی را سر و صورتی داد»<sup>۶</sup>.

از این پس نمایشنامه در «مصر» پیشرفت کرد و به سرپرستی «جورج ابیض» چند تن از ادیبان «مصر» به «اروپا» رفتند و چون بازگشتند در کشور خود گروه هایی تشکیل دادند و نویسندگان مصری شروع به هنرنمایی کردند. از جمله ی این نویسندگان «احمد شوقی» بود که در نوشتن نمایشنامه های شعری، نام آور شد.

## ۲-۱-۲- زندگینامه

«احمد شوقی» در سال ۱۸۶۸ میلادی در زمان خدیو «اسماعیل» در یک خانواده که پدر کرد و مادر ترک بود، به دنیا آمد. «احمد» چهار ساله بود که به مدرسه ی ابتدایی رفت هنوز پانزده ساله نشده بود که درس خود را در متوسطه هم به پایان رساند و به مدرسه ی حقوق و سپس به مدرسه ی ترجمه رفت. در سال ۱۸۸۷ میلادی برای ادامه ی تحصیل با خرج خدیو «توفیق» راهی «فرانسه» شد و به مدت دو سال به آموختن حقوق پرداخت. بعد از دو سال برای بهبود بیماری هایی که به آن دچار شده بود به «الجزایر» رفت و بعد از یک ماه و نیم، دوباره به «فرانسه» بازگشت و در «پاریس» سال

---

۱- شوقی ضیف: الأدب العربي المعاصر في مصر، الطبعة الرابعة، دارالمعارف، مصر، ۱۱۱۹م، ص ۱۱۰



سوّم حقوق را به پایان آورد. سپس به مطالعه ی موزه ها و آثار تمدن آن سرزمین پرداخت. و سرانجام هم در سال ۱۸۹۱ میلادی به «مصر» بازگشت.<sup>۷</sup>

در سال ۱۸۹۱ میلادی «توفیق» وفات یافت و پسرش «عباس دوم» به جایش نشست. خدیو جدید در ابتدا به «شوقی» توجهی نداشت ولی دیری نپایید که چون پیشینیان خود، او را مورد مهر خویش قرار داد و شاعر دربارش گردانید. «شوقی»، سیاست خدیو را تأیید می کرد و در سایه ی آن ثروت و مقام یافت.<sup>۸</sup>

او با دختر یکی از توانگران «مصر» ازدواج کرد و از او یک دختر و دو پسر داشت به نام های «امینه»، «علی» و «حسین»، او زندگی خوبی را می گذراند ولی ناگهان آرامش او به هم خورد بعد از کنار گذاشتن «عباس پاشا» در سال ۱۹۱۵ میلادی، به خاطر ارتباطش با ترک ها، «حسین کامل»، جای او را گرفت ولی او «شوقی» را کنار گذاشت و «انگلستان» تصمیم به تبعید او گرفت، «شوقی» خود، برای تبعید، شهر «بارسلون اسپانیا» را انتخاب کرد.<sup>۹</sup>

او این شهر را، از این رو برای خود برگزید که خاطره ی بزرگواری های عرب را در او زنده می کرد. او در آن برج عاجی که خود را زندانی کرده بود، چشم به راه رهایی خویش، در دوری از وطن می سوخت، تا آن گاه که بعد از جنگ جهانی اوّل، به «مصر»، بازگشت، ولی اندیشه های سیاسی او دگرگون شده بود، تا آنجا که قصر سلطنتی را ترک گفت و به اداره ی زمین های خود پرداخت. در این سال ها بود که به سرودن شعر پرداخت، او در عین حال از دیگر سرزمین های عربی، غافل نبود و قصیده هایی درباره ی آن ها سرود بنابراین آوازه ی او همه جا را فرا گرفت و همه ی سرزمین های

---

۲- شوقی ضیف: شوقی شاعر العصر الحدیث، ص ۲۹۱

۱- شوقی ضیف: شوقی شاعر العصر الحدیث، ص ۱۷۸

۲- همان: ص ۲۱۵

عربی به او عنوان «امیر الشعرايي» دادند. اين عنوان در سال ۱۹۲۷ ميلادی در جشن بزرگ اپرای سلطنتی به او داده شد.<sup>۱۰</sup>

از اين تاريخ «شوقی» همه ی وقتش را برای سرودن شعر گذاشت، و در چهار سال آخر عمر به طور ویژه، وقتش را برای نوشتن يا سرودن نمايشنامه گذاشت، تا آن گاه که در سیزدهمین روز از ماه «تشرين اول» سال ۱۹۳۲ ميلادی، جهان را بدرود گفت.

### ۳-۱-۲- آثار

در میان شاعران معاصر عرب، کمتر شاعری است که شعری به روانی و سادگی شعر «شوقی» و آثاری به فراوانی آثار او داشته باشد.

آثار شعری او عبارتند از:

- دیوان پر حجم او به نام «الشوقيات»، در چهار جلد بزرگ، که جلد نخست آن، بخشی از شعرهای او را در برمی گیرد، و در اين جلد «شوقی» مقدمه ای در مورد شعر و شاعران و نیز زندگی نامه ی خود را آورده است. اين جلد در سال ۱۹۲۵ ميلادی دوباره چاپ شد، که در اين چاپ دوّم، ستایش ها، رثاها، سرودها و حکايت های آن را حذف کردند و آن چه را باقی گذاشتند، سياست، تاريخ، مسائل اجتماعی و برخی قصيده های مرتبط با آن ها می باشد.

- جلد دوّم در سال ۱۹۳۰ ميلادی به چاپ رسید و آن شامل وصف، غزل و شعرهایی در تاريخ، سياست، اجتماع و قصيده هایی از دیوان قدیم بود و جلد سوّم همه ی آن مرثیه است و در سال ۱۹۳۶ ميلادی چاپ شد و جلد چهارم شامل موضوع های مختلف بویژه، شعرهای تعلیمی اوست و در سال ۱۹۴۳ ميلادی چاپ شد.

---

۳- همان: ص ۲۱۹

- از دیگر آثار شعری «شوقی»، کتابی به نام «دول العرب و عظماء الإسلام» است که بیش تر آن، شامل تاریخ اسلام و بزرگان آن تا عصر «فاطمیان» است.

- او شش نمایشنامه دارد که در سال های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۲ میلادی آن ها را سرود، که از آن میان پنج اثر «مصرع کلثوپاترا»، «مجنون لیلی»، «قمبیز»، «علی بیک الکبیر»، «عنتره» و کمدی «الست هدی» تراژدی می باشند.

و آثار نثری عبارتند از:

- سه رمان، به نام های «عذراء الهند» که در سال ۱۸۹۷ میلادی نوشته شده است و موضوع آن، از تاریخ «مصر» قدیم یعنی زمان «رامسس دوم» گرفته شده است. و دیگر «لادیاس» یا «آخرین فرعونان» که در سال ۱۸۹۸ میلادی نوشته شده است و به بیان وضع «مصر» پیش از قرن پنجم میلادی می پردازد. و سوم «ورقة الأس»، و آن رمانی است به روال طبیعی که نسبت به آثار پیشین او، سجع در آن خیلی کم است و موضوع آن به زمان «شاپور» پادشاه «ایران» باز می گردد.

- مقاله های اجتماعی شامل؛ نظریه هایی است که در سال ۱۹۳۲ میلادی، با عنوان «اسواق الذهب» در موضوع های مختلفی مانند: آزادی، وطن، کانال سوئز، اهرام، مرگ، سرباز گمنام، و برخی اندرزا و حکمت ها جمع آوری شده است.<sup>۱۱</sup>

باید گفت: آنچه شهرت «شوقی» را در پی داشته است، آثار بزرگ شعری او می باشد چرا که نثر او بیش تر مسجع، سخت و از جهت فنی و ادبی ضعیف است.

#### ۴-۱-۲- شعر و ویژگی های شعری

---

۱- أحمد شوقی: الشوقیات، المجلد الأول، الطبعة الثانية، دارالمعارف، قاهرة، ۱۹۲۵م، ص ۱۲

شعر «شوقی» از مرحله های مختلف زندگی او و رویدادهایی که در هر مرحله با او دست به گریبان بوده است تأثیر پذیرفته است. اگر زندگی شاعر را از دربار تا تبعید، و از تبعید تا مرگ دنبال کنیم به سه مرحله برخورد می کنیم:

- مرحله ی تقلید

- مرحله ی انتقال از قدیم به جدید

- مرحله ی نوآوری

در مرحله ی تقلید شعر «شوقی» را مدح، رثا، غزل، فخر و خمر تشکیل می دهد. «او مدّتی در قصر خدیو می زیست بنابراین در ستایش «اسماعیل پاشا»، «توفیق پاشا»، «عباس دوم»، «حسین کامل» و «فؤاد»، قصیده هایی سرود، ولی بیش از همه در ستایش «عباس» که حدود بیست و پنج سال با او زندگی کرد، قصیده هایی گفته بود و از میان خلیفه های عثمانی «عبدالحمید دوم» را که در «آستانه» در خدمت او بود، مدح گفت. سپس به ستایش برادرش «سلطان محمد پنجم» پرداخت. همچنین او قصیده هایی در مدح گروهی از سرشناسان دولت مانند «محمد فرید\*» و «سعد زغلول\*\*» داشت.<sup>۱۲</sup>

«شوقی» در مدح های خود «تنها موضوع و معنی را از گذشتگان تقلید نکرده است بلکه به تقلید اسلوب آن ها نیز روی آورده است. بعد از جنگ جهانی اول، نشانه های این تقلید رو به

---

\*- (۱۸۷۸-۱۹۵۴م): از رهبران فکری و دانشمندان اسلام و از ادیبان مصری که برای حفظ فرهنگ اسلامی تلاش می کرد. (لوئیس

معلوف: المنجد في اللغة و الأعلام، ص ۲۵۷)

\*\*-(۱۸۶۱-۱۹۲۷م): از بزرگترین خطیبان مشرق در زمان خود که در «ابیان» در غرب «مصر» به دنیا آمد. شاگرد «جمال الدین افغانی»

بود و یکی از استقلال طلبان بود. (همان: ص ۱۳۲)

۱- شوقی ضیف: شوقی شاعر العصر الحديث، ص ۱۴۶